

Persian transcript:

محسن: حالا یه دختر ایرانی، حالا... یا... حالا اونجایی [آن جایی] که شما بزرگ شدید و اینا [این ها]، چه طوری... فرایند ازدواج کردن چه طوره چون رابطه ی دوست دختر دوست پسری که نیست؟

آزیتا: بله درست است. [آن نسبت به بیست سی سال پیش حتی می توانم می توانم] بگم [بگویم] خیلی فرق کرده. قدیم [قدیم ها] این جوری بود که مثلاً آگه می خواست یه پسر ازدواج کنه [کند] به پدر.. به مادرش می گفت، مادرش می سپرد به خاله اش، می سپرد به همسایه ها، [تا] یه دختر خوب مثلاً پیدا کنند تو فامیل برای این پسرشون [پسرشان]؛ عکس می دادن [می دادند] این ور و اون ور، عکس پسره را می دادند، عکس دختره را بعد برمی گردوندند، نشون [نشان] اون پسره که آماده ی ازدواج بود می دادن [می دادند] که یکی رو انتخاب بکنه و بعد وارد مراحل بعدی می شدند.

ولی الآن فکر می کنم یه کم تغییر کرده؛ این روند و راحت تر می تونند [می توانند] دختر پسر خودشون [خودشان] همدیگه [همدیگر] رو بشناسند؛ مثلاً همکلاسی های توی دانشگاه، محل کار، بتونند یا دوست هاشون [دوست هایشان] به همدیگه معرفی کنند دوستای [دوستان] همدیگه رو؛ بتونند [بتوانند] از این طریق با هم آشنا بشند [بشوند]، با روحیات هم بیشتر آشناییت پیدا کنند و بعد تصمیم بگیرند که آیا می تونند [می توانند] با همدیگه زندگی ی مشترک یه زندگی ی مشترک داشته باشند یا نه.

محسن: یعنی این قضیه... حالا آگه [اگر] بخوایم [بخوایم] بگیم [بگویم] عمومیتش [عمومیت آن] بیشتر به چه شکله، یعنی دختر و پسر هم... قبل از ازدواج همدیگر رو برای یه [یک] مدتی مثلاً شش ماهه می ببینند، با هم بیرون می رند، می روند، همدیگر رو بشناسند؟ الآن تو فرهنگ ایرانی همچین [همچنین] چیزی هست؟

آزیتا: تو فرهنگ ایرانی داره کم کم جامی افته [جامی افتد]؛ مثلاً من خودم حالا نگاه می کنم افراد دور و بزم [بزم] تقریباً مثلاً از ده تا دوست من، هشتادون [هشتاد تا] از آن ها [خودشون انتخاب کردن] [کردند] هشتا.. هشت نفر از این دخترها خودشون انتخاب کردند که با کی ازدواج کنند یعنی این که مثلاً با یه پسره ای آشنا شدند، چه تو محیط کار چه دانشگاه بعد دیگه آشنایی به درازا انجامید، و به این نتیجه رسیدند که می تونند [می توانند] با همدیگه زندگی ی خوبی داشته باشند. تو اطرافیان من این طوره [طوری است]، شاید من چون دانشگاه رفتم یا...

محسن: من می خواستم بگم [بگویم] شاید بیشتر بین دانشجویها و قشر تحصیلکرده این طوری باشه [باشند].

آزیتا: بله درست است.

محسن: ولی خب اونهایی [آن هایی] که مثلاً تحصیلکرده نیستند، از قشرهای مثلاً بیشتر کارگرند [کارگر هستند] اون ها به چه شکله [شکل است]؟ اون ها هم ...

آزیتا: اون ها خب... معمولاً همین روند سنتی رو داره که از... اگر یه پسری شرایط ازدواج را داشته باشه همون طور که گفتم مادرش خواهش زن های دیگه ی فامیل می گردند توی فامیل و در و همسایه دنبال یه دختری که خصوصیات مورد نظر اون پسر و خانواده اش را داشته باشه و بعد خانواده می ره [می رود] خواستگاری و ...

محسن: خب بعد حالا حتی تو همون قشر تحصیلکرده هم که حالا بگیم [بگویم] اون هایی که دختر یا پسر همدیگر رو می بینند و می پسندند، نقش خانواده چیه [چیست]؟ حالا اومدیم [آمدیم] خانواده مخالف بود؟

آزیتا: اوم [آن هم] باز که می گم [می گویم] دختر پسر همدیگر رو می بینند و آشنا می شنند [می شوند] و بعد یه ازدواج می کنه [می کنند]، اون هم به این سادگی نیست، چون هنوز هم باز یه سری موانع وجود داره از نظر موانع عرفی و شرعی و حساب بکنید تو اون جامعه هست [آن قدر] هم مدرن نشدیم، مثل آمریکا / اروپا نیست که همین جوری بتونند دختر پسر همدیگر رو ببینند [ببینند] و با همدیگه به قول این جایی ها دیت (date) کنند.

محسن: نقش خانواده؟ نقش خانواده کم رنگ شده؛ اصلاً حذف شده برای اون گروه؟ چون الآن مثلاً در کشور های به اصطلاح توسعه یافته، خانواده هیچ نقشی نداره، یعنی آگه دو نفر از هم خوششون [خوششان] می آید [می آید] می تونند با هم ازدواج کنند خانواده هم همیشه موافقه [موافق است] ولی خب تو فرهنگ ما به این شکل نیست دیگه [دیگر].

آزیتا: نه، خُب مُسَلِّماً خِیَلِی نَقْشِ خَانِوَادِه پُرَرَنگ تره [پُرَرَنگ تر است]. مُسَلِّماً اَگِه خَانِوَادِه هَا مُوَافِق نَبَاشَنَد خِیَلِی مِی تَوَنَد سَنگ اَندَازِی کَنَنَد تَوِی اِیْن مَسِیْر و اَخْرَش بِه اِیْن جَا... بَا وُجُودِ اِیْن کِه دَخْتَر و پِسَر فِکَر مِی کَنَنَد رُوج مُنَاسِبِی هَسْتَنَد بَرای هَم دِیگِه، و لِی بِه دَلِیْل مُشْکِلاتِی کِه خَانِوَادِه هَاشُون بَا هَم دَارَنَد مُمَکِنَه [مُمَکِن است] کِه بِه جَایِی نَرَسِه [نَرَسِد] اِیْن قَضِیَه. **مَحْسَن:** یَعْنِی پَس هَنُوز نَقْشِ خَانِوَادِه هَا پُرَرَنگِه، بِه هَر حَال یَعْنِی جَلْب کَرَدَن مُوَافَقَتِ اَوْن هَا مُهْمِه [مُهْم است].
آزیتا: دُرُسْتِه [دُرُسْت است].

English translation:

Mohsen: Now, an Iranian girl, now, or...now where you grew up and all how is she...how is the marriage process since there are no boyfriend girlfriend relationships?

Azita: Yes, it's true. Now I can even say compare to twenty [or] thirty years ago it has changed. In old times, it was like for instance if a boy wanted to get married, he would tell his father...his mother and his mother would ask his aunt or the neighbors to find a good girl among [their] relatives for her son. They would give a picture to here and there. They would give a picture of the boy and they would then take a picture of the girl. They would show it to the boy who was ready for marriage to choose someone and then they would take the next steps.

But now, I think it has changed a little bit. Boys and girls can more easily [take] this process [and] get to know each other. For example, classmates in college, work place, they could introduce their friends to one another; they could see each other's friends. This way they could meet each other and get to know each other and then decide whether they could share life, share life together or not.

Mohsen: I mean this story now...if we want to say what's the prevalence [of it] like, I mean boy and girl too... [do they] go out or see each other for let's say six months before the wedding? Is there such a thing in Iranian culture today?

Azita: It's starting to little by little become acceptable in Iranian culture. For example, when I look at individuals around me, almost eight out of ten friends of mine, chose for themselves. Eight of these girls chose whom to marry. I mean for example met a boy whether at school or in work place and this acquaintance was lengthened and they arrived at a conclusion that they can have a good life together. It's like this among people around me. Perhaps because I went to college or...

Mohsen: I wanted to say perhaps it is more [common] among college students and the educated class.

Azita: Yes, it's true.

Mohsen: But, well what is it like [for] those who are not educated so to speak or for example are from the working class? Are they too...

Azita: They, well, usually this traditional process which...if a boy meets the conditions to marry, like I mentioned, his mother, his sister or other women of the family look among relatives and

neighbors for a girl who has that boy's desired specifications. Then the family goes and proposes and...

Mohsen: Well, then what is family's role among that very educated class, let's say those wherein boy and girl have met and liked each other. Now, let's say the family was against [it]?

Azita: Again I'm saying the boy and the girl meet, make friendship and then get married. Even that is not easy since still there are some religious and common beliefs obstacles... imagine in that society. We have not become that modern where for example like Europe and USA boys and girls could see each other or as people here say "date" each other.

Mohsen: Family role? Has family role become less? [lit. Has family role lost its color?] Because today in developed countries for example, family has no role, I mean if two people like each other, they can get married and family always agree, but well in our culture is not like that.

Azita: No, definitely family role is stronger. [lit. Family role has a darker color.] Obviously if families don't agree, they can throw many stones in their path and at the end ...even though the boy and girl think they are suitable for one another, but due to the problems their families have, they could never end up with each other. [lit. This story could never have an end.]

Mohsen: So, it means family has a stronger role. Anyhow, getting them to agree [with the marriage] is very important.

Azita: It's true.

About CultureTalk: CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use every day. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.

© 2012 Five College Center for the Study of World Languages and Five Colleges, Incorporated